

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

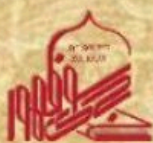
عنوان:

سلسله‌های صوفیه

سخنران:

دکتر وحید باقرپور کاشانی

آلاء الصمیمی، مجل و لولوی کده آلاء صوفی



@MAHDISM_12



@seratehaghi

ببینید جناب لاهیجی، ایشان ملقب به شمس‌الدین، یه عارف و شاعر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری بود و مهم ترین شارح گلشن راز. شخصیتی بوده که مسلط به تصوف و عرفان بوده و از معدود کسانی که می‌گن که نگاه شیخ محمود شبستری رو فهمیده و حتی ایشان در خدمت سید محمد نوربخش بوده؛ این قطب بزرگ صوفیه تا جایی که در زندگینامه‌اش که در همین کتاب هست در مقدمه‌ی صفحه‌ی ۳۹ آوردن که؛ اگر تولد لاهیجی رو حدود سال ۸۴۰ پذیریم با توجه به این که وی طبق نوشته‌ی خودش در سال ۸۴۹ در خدمت سید محمد نوربخش در آمده پس او باید در حدود ۹ تا ۱۰ سالگی به نوربخش پیوسته باشه. از ۹ یا ۱۰ سالگی وارد صوفیه شده و مرید جناب نوربخش شده و لاهیجی خود بیان می‌کنه که مدت ۱۶ سال در ملازمت محمد نوربخش بوده و به حسب تفاوت احوال معنوی سه نوبت از استاد خود اجازه ارشاد گرفته که آخرین آن‌ها را در شرح گلشن راز آورده، ذکر کردن و آورده.

حُب ایشان رو مذهبش چیه؟ جمعی گفتن ایشان شیعه بوده و جمعی گفتن نه ایشان شافعی و سنی بوده. به هر حال در این مورد اختلاف نظر هست و ما فعلا وارد این بحث نمی‌شویم. بالاخره يك شخصیت خبره و زبده‌ای بوده در مسئله‌ی تصوف و عرفان. بله مهم‌ترین کتاب لاهیجی همین کتابه. حُب ببینید این‌جا عبارتی که آورده شده مرحوم میرزا جواد آقای تهرانی این عبارت رو ابتدا میارن که لاهیجی گفته که؛ در صفحه‌ی ۵۶ و ۵۷ شرح گلشن راز تو این کتابی که من دارم صفحه‌ی ۶۶ گفته. واقعه از حالات و مکشوفات خاصه این فقیر که در اثنای سلوک واقع شده به تمثیل آورده می‌شود تا سبب تشویق طالبان صادق واقع گردد. بعد این‌جا چون عنایت ازلی این چون عنایت ازلی صفحه‌ی ۶۷ الان این تیکه رو از رو بخونم از این کتاب و چون عنایت ازلی و هدایت لم یزلی این فقیر را به خدمت و ملازمت حضرت امام زمان، مقتدای اهل ایمان قطب فلك سیادت و ولایت، محور دوایر ارشاد و هدایت، سید شمس المله و الطریقه و حقیقه و الدنیا و الدین محمد نوربخش قدس الله سره، راه نمونی کرد

و در سنه تسعه و اربعین و ثمان معه هجری به شرف
توبه‌ای که در طریق اولیاء الله متعارف است و تلقین ذکر
خفی مشروط به شرایط مشرف شدم و در ملازمت ایشان به
سلوک و ریاضت و توجه به احیای لیالی شب زنده داری
به امر آن حضرت مشغول می‌بودم و مواظبت به ذکر و
فکر می‌نمودم تا به برکت ترك و تجرید و سلوک به ارشاد
کامل آینه دل این فقیر به نور الهی صفایی حاصل گرد. يك
شبی بعد از احیای اوقات این فقیر را غیب دست داد!
که گفتیم در اصطلاح صوفیه غیبت دست داد؛ غائب شدن
یعنی از امور و احوال دنیا! متوجه معنویت شده. ببینین
مرحوم میرزا جواد آقای تهرانی يك پاورقی ایشان داره. در
پاورقی می‌نویسن چی؟ می‌گن صوفیه مسلمین اکنون دارای
احزاب و فرق مختلفین که همه‌ی آنان سلسله‌ی مشایخ خود
را به پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم منتهی می‌کنن!

می‌گه ما خرّقه را از پیامبر گرفتیم امور معنوی رو از نبی اکرم
گرفتیم بدین طریق که من جمله می‌گویند کمیل بن زیاد نخعی
و حسن بصری از امیرالمومنین گرفته، خب امیرالمومنین از کی
گرفته؟ از پیامبر گرفته. و ابراهیم ادهم از امام زین العابدین گرفته
و ابو یزید بسطامی از امام صادق با این که می‌گن شهادت امام
صادق سنه‌ی ۱۴۸ بوده و فوت بسطامی ۲۶۱ بوده. چه‌طور ایشان
از او گرفته؟! نمی‌شده هم‌چنین چیزی. و معروف کرخی به قولی
از امام رضا علم سلوک و ذکر و فکر یعنی طریقت را اخذ کرده
و به قولی هم سلسله‌ی مشایخ معروف کرخی به حسن بصری
می‌رسه. و هر فرقه‌ای سلسله‌ی مشایخ خود را به کمیل یا ابراهیم
ادهم یا با یزید بسطامی و یا معروف کرخی و امثال آنان و از این
اولیاء به امام علیه السلام و از امام به پیغمبر صل الله علیه و آله و
سلم منتهی می‌نمایند. بالاخره يك کدوم خودش رو به زین العابدین
می‌رسونه، یکی خودش رو به حضرت رضا می‌رسونه! می‌گه حضرت
رضا از به موسی بن جعفر، موسی بن جعفر همین‌طور تا از پیامبر
گرفته.

و هر يك از این سلاسل هم شعبه‌ها یعنی هر کدام از این
سلسله‌ها شعبه‌ها بهم رسانیده‌اند. و به نام بزرگی از اولیاء خود
مشهور شده‌اند و سلسله‌ی معروف کرخی را به سبب تعدد
شعبی که از آن زاییده شده است ام‌السلاسل نام کرده‌اند. ام
السلاسل؛ یعنی مادر سلسله‌ها چون خیلی‌ها گفتن این‌ها به
معروف می‌رسه. که از جمله شعبات آن شعبه‌ای به نام "سید
نور بخشی" که جناب لاهیجی صوفی نوربخشیه بوده به تعبیری و
تابع استاد خودش، قطب خودش سید نور بخش بوده. و شعبه‌ای
به نام "شاه نعمت الله کرمانی" که بهشون می‌گن نعمت‌اللهیه و
شعبه‌ای به نام خواجه نقش بند که بهشون نقش بندیه به همین
منوال شعباتی می‌باشند و لاهیجی شارح گلشن راز از مریدان
سید محمد نوربخش بوده. خب ببینید ایشون پس می‌خواستیم
اول بگیم خب ما شروع بکنیم مکاشفات ایشان را بخونیم شاید
يك نفر می‌گفت کیه این بنده خدا؟! حالا هر کی. می‌خوایم
بگیم یه آدمی بوده که تفکراتش چی بوده در عرفان و
تصوف هم از بزرگان مطرح بوده.

لذا ایشان می فرمایند که: صوفیه افکار مختلفی داشتن و فرقه‌های مختلفی داشتن. بعضی‌ها شون کشتیه، بعضی‌ها اویسیه، بعضی هست خاکساریه، بعضی‌ها ذهبیه، بعضی‌ها نعمت‌اللهیه، بعضی‌ها قادریه، بعضی‌ها مولویه، بعضی‌ها نقش‌بندیه؛ جمعی نور بخشی و جمعی ملامتیه و جمعی هم سهروردیه! مختلف‌فرقه در فرقه جالب اینه که هر فرقه هم فرقه‌های دیگه‌ی صوفیه رو گمراه می‌دونه! چون سلسله می‌گه باید به اون سلسله اقطاب ما باید برسه چون تغایر در اقطاب هست اون گروه، گروه دیگه رو قبول نداره. اگر چنانچه این سلسله مثلا برسه حسن بصری برسه در حسن بصری چون مشترکند می‌گن ما قبول داریم اما از حسن بصری این به يك شاخه رفته اون به اون شاخه دیگه می‌گن ما قبول نداریم. می‌گه تو حسن بصری رو قبول داری در حسن بصری ما با هم دیگه اشتراک داریم، در معروف کرخی با هم دیگه مشترك هستیم اما اون شاخه‌های دیگه که داره پیش میره رو رد می‌کنن قبول نمی‌کنن.